



Paper type: Research Article

Examining the relationship between capital expenditure tax avoidance and asset growth

Zohreh Hajiha^{*1}, Moostafa Khadem Al-Husseini²

Received: 2025/02/10

Accepted: 2025/09/30

Abstract

Purpose: Tax avoidance is a type of abuse of tax laws and is related to finding ways to evade paying taxes in tax laws and trying to find legal ways to reduce the amount of tax paid. The main objective of this research is to investigate the relationship between avoiding paying taxes on capital costs and asset growth in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Method: The method used in this research was to collect library information and also use the Tehran Stock Exchange database, and the data were examined retrospectively. The regression method used was multivariate and the data structure used was also in the form of a panel, and regression was examined to implement the regression assumptions. The statistical population of the research, according to the screening pattern and systematic elimination method, includes 180 companies listed on the Tehran Stock Exchange and in the 8-year period from the beginning of 2016 to the end of 2023.

Findings: Two hypotheses have been proposed to conduct the research, and the results of the regression of the research hypotheses showed that: Avoidance of tax payments has an effect on the growth of assets and the growth of the cost of capital of companies. Therefore, the two research hypotheses were confirmed.

Conclusion: Tax avoidance leads to the growth of corporate assets and ultimately to empire building by firms. When managers incur substantial expenditures across various areas, including the acquisition of capital assets, this suggests that managers pursue empire building within their firms through such investments. This behavior results in the immobilization of the company's cash resources in fixed assets, the loss of various emerging investment opportunities, and consequently affects the growth of firm value and shareholder wealth.

Keywords: Tax, Tax Avoidance, Capital Expenditure, Asset Growth.



[10.71600/jacgr.2025.1199185](https://doi.org/10.71600/jacgr.2025.1199185)



How to cite this article: Hajiha, Z., & Khadem Al-Husseini, M. (2025). Examining the relationship between capital expenditure tax avoidance and asset growth. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 4(12), 129-143. (In Persian).

¹. Prof, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^{*}Corresponding Author: drzhajiha@gmail.com

². PhD student, Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه و رشد دارایی‌ها

زهره حاجیها^{۱*}، مصطفی خادم الحسینی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲

چکیده

هدف: اجتناب مالیاتی یک نوع سوء استفاده از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی با تلاش در جهت یافتن راه‌های قانونی به منظور کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه و رشد دارایی‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

روش: روش پژوهش مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از پایگاه داده‌های سازمان بورس اوراق بهادار تهران بوده و بصورت پس‌رویدادی داده‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. روش رگرسیونی مورد استفاده چند متغیره بوده و ساختار داده‌های مورد استفاده نیز بصورت پانل بوده و برای اجرای رگرسیون مفروضات، رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش طبق الگوی غربال‌گری و روش حذفی نظام‌مند در بر دارنده ۱۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و در دوره زمانی ۸ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۲ است.

یافته‌ها: برای اجرای پژوهش تعداد دو فرضیه مطرح شده است که نتایج مربوط به اجرای رگرسیون فرضیه‌های پژوهش نشان دهنده آن بود که: اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد دارایی‌ها و رشد هزینه سرمایه شرکت‌ها اثرگذار است. لذا دو فرضیه پژوهش تایید گردید.

نتیجه‌گیری: اجتناب مالیاتی منجر به رشد دارایی‌های شرکت و در نهایت امپراتورسازی شرکت‌ها خواهد شد. در صورتی که مدیران شرکت میزان هزینه‌های زیادی را در بخش‌های مختلفی از جمله خرید دارایی‌های سرمایه‌ای انجام دهند این موضوع منجر به آن خواهد شد که مدیران شرکت‌ها به دنبال ایجاد امپراتوری در شرکت‌های خود از طریق خرید دارایی‌های سرمایه‌ای هستند که منجر به راکد شدن منابع نقدی شرکت در دارایی‌های ثابت و از بین رفتن فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری پیش‌آمده خواهد شد و از این طریق بر رشد ارزش شرکت و سهامداران نیز موثر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات، هزینه سرمایه، رشد دارایی.



[10.71600/jacgr.2025.1199185](https://doi.org/10.71600/jacgr.2025.1199185)



استناد: حاجیها، زهره، خادم الحسینی، مصطفی. (۱۴۰۴). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه و رشد دارایی‌ها. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۴(۱۲)، ۱۲۹-۱۴۳.

^۱. استاد گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: drzhajha@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری، حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در طول دهه گذشته، افزایش چشمگیر اجتناب از پرداخت مالیاتی شرکت‌ها بودجه عمومی را در بسیاری از کشورها کاهش داده است. در سطح بین‌المللی، میزان مالیات از دست رفته به دلیل اجتناب مالیاتی در هر سال بین ۵۰۰ تا ۶۵۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده است که یک سوم آن در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط پایین اتفاق می‌افتد. این شیوه‌های مالیاتی تأثیری نامتعادل بر درآمد دولت دارند. دیرنگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نشان داد که کاهش پرداخت‌های مالیاتی طی ۲۵ سال گذشته سیستماتیک وجود داشته است و شرکت‌ها به شدت در فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مشارکت دارند. به طور مشابه، تامسون و وارتین^۲ (۲۰۱۸) دریافتند که بیش از نیمی از شرکت‌های ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ نرخ‌های مالیاتی در محدوده ۳۰ تا ۴۰ درصد داشتند. طبق ادبیات قبلی، ما اجتناب از پرداخت مالیات را به عنوان تمام فعالیت‌هایی تعریف می‌کنیم که مالیات را نسبت به درآمد قبل از مالیات کاهش می‌دهند. از فعالیت‌های کاهش مالیات که مطابق با قوانین مالیاتی هستند تا استراتژی‌های تهاجمی که در یک منطقه خاکستری قرار می‌گیرند (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). تفاوت قابل توجهی در بین شرکت‌ها در مورد مقدار وجه نقد نگهداری شده وجود دارد. دیتمار و ماهر اسمیت^۳ (۲۰۰۷) پیشنهاد کردند که شرکت‌ها پول نقد بیشتری را انباشته می‌کنند و ارزش مبالغ نقد در حال تبدیل شدن به بخش قابل توجهی از کل دارایی‌های آنها است. ادبیات قبلی در مورد اجتناب از پرداخت مالیات نشان داده است که ممکن است توضیح دهد که چرا مدیران پول نقد نگه می‌دارند. از یک سو، اجتناب از پرداخت مالیات نشان دهنده یک فعالیت افزایش دهنده ارزش است که منجر به انتقال ثروت از دولت به شرکت‌ها می‌شود و برخی از شرکت‌ها نیز ممکن است به فعالیت‌هایی روی آورند که فقط برای ایجاد شرکت‌های بزرگتر و امپراتوری باشد. با توجه به اهمیت هزینه‌های مالیاتی برای یک شرکت و سهامداران آن، به نظر می‌رسد که اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است مورد نظر سهامداران باشد (چن و همکاران^۴، ۲۰۱۰). شرکت‌ها با کاهش بدهی‌های مالیاتی، پس انداز مالیاتی بالاتری را ایجاد می‌کنند که می‌تواند مجدداً سرمایه‌گذاری شود یا به سهامداران برگردانده شود یا در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری نمایند که بازده مناسبی نداشته باشد و برای گسترش اندازه شرکت و دارایی‌های و به اصطلاح امپراتوری مدیران باشد.

از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا بین اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه و رشد دارایی‌ها ارتباط معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

پاسترناک و ریکو^۵ (۲۰۰۸) اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از شکاف‌های قوانین مالیاتی جهت کاهش هزینه مالیات تعریف نمودند. هانلون و هیتزمن^۶ (۲۰۱۰) نیز اجتناب مالیاتی را به عنوان کاهش آشکار مالیات به ازای هر واحد از سود حسابداری یا جریانهای نقدی در نظر گرفتند. دسائی و دارماپالا^۷ (۲۰۰۹) افزایش تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات، کاهش نرخ مؤثر مالیاتی و رشد سود شرکتها بدون شناسایی بدهیهای مالیاتی را از جمله نشانه‌های فعالیتهای اجتناب مالیاتی مدیران برشمردند. مرور ادبیات مالی در این زمینه نشان میدهد؛ به طور کلی دو دیدگاه در ارتباط با اجتناب مالیاتی وجود دارد. دیدگاه نخست، هدف فعالیتهای اجتناب مالیاتی را تنها کاهش تعهدات و بدهیهای مالیاتی شرکتها قلمداد میکند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که از نظر سرمایه‌گذاران، اجتناب مالیاتی به عنوان فعالیتی تلقی میشود که ارزش شرکت را افزایش میدهد و باید مدیران را برای بکارگیری چنین اقداماتی تشویق نمود و به آنها پاداش داد. نمونه بارز چنین وضعیتی را میتوان مینا قرار دادن سود بعد از

¹ Dyreng et al

² Thomsen & Watrin

³ Detimer et al

⁴ Chen et al

⁵ Pasternak &

⁶ Hanlon & Heitzma Rico n

⁷ Desai & Dharmapala

مالیات به عنوان طرحهای پاداش مدیران نام برد که منجر به کاهش نرخ مؤثر مالیاتی میشود. در عین حال زمانبر بودن این فعالیت برای مدیران و کشف آن توسط نهادهای نظارتی و مالیاتی از هزینه های بالقوه این دیدگاه به شمار میرود. بنابراین میتوان چنین نتیجه گیری نمود که در این دیدگاه ممکن است تضاد منافع بین مدیران و سهامداران طبق تئوری نمایندگی به فراموشی سپرده شده اما در مقابل، رابطه شرکت و دولت بر مبنای تئوری ذینفعان به چالش کشیده شود. در دیدگاه دوم، فعالیتهای اجتناب از پرداخت مالیات ابعاد بیشتری از مسائل نمایندگی بین مدیران و سهامداران از قبیل فرصت طلبی مدیران و سوءاستفاده از منابع شرکت را شامل میشود. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) معتقدند، پیچیدگی فعالیتهای اجتناب مالیاتی میتواند ابزارها، پوششها و قضاوتهایی را برای مدیران ایجاد نماید که زمینه ساز رفتارهای فرصت طلبانه آنها مانند دستکاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سوءاستفاده از منابع شرکت به نفع مدیران گردد. به عبارت دیگر، در این دیدگاه ممکن است اجتناب مالیاتی و انحراف مدیران مکمل یکدیگر قرار گیرند.

هزینه سرمایه

هدف مدیریت شرکت حداکثر نمودن ثروت سهامداران اسدت و بده منظور نیل به هدف مذکور تلاش میشود تا سیاستها و تصمیمات مناسبی اتخاذ گردد. اجرای مدلهای ارزشیابی مستلزم محاسبه هزینه سرمایه شرکت است. هزینه سرمایه حداقل نرخ بازدهی است که تحصیل آن برای حفظ ارزش بازار شرکت (یا قیمت سهام آن) ضروری اسدت. مدیران باید درباره هزینه سرمایه که غالباً "نرخ بازده مورد انتظار نامیده میشود، برای مواردی همچون اتخاذ تصمیمهای مربوط به بودجه بندی سرمایه ای، استقرار ساختار بهینه سرمایه، تصمیم گیری نسبت به اجاره بلندمدت و یا کوتاه مدت و مدیریت سرمایه در گردش اطلاعات کافی داشته باشند. هزینه سرمایه با میانگین موزون اجزای مختلف تشکیل دهنده سرمایه شرکت مانند بدهی، سهام ممتاز، سهام عادی و سود انباشته محاسبه میشود. هزینه سرمایه شرکت باید بر اساس ارزش بازار بدهی و حقوق صاحبان سهام شرکت و نه ارزش دفتری آن - ها محاسبه شود. استفاده از ارزش دفتری برای محاسبه هزینه سرمایه، به محاسبه کمتر از واقع هزینه سرمایه برای شرکتها و محاسبه بیشتر از واقع ارزش افزوده اقتصادی منجر خواهد شد (گیسر و لیبنبرگ^۱، ۲۰۰۳) البته واژه سرمایه در تعیین هزینه سرمایه، مفهومی گسترده تر از مفهوم سرمایه در حسابداری دارد، بدین معنی که صرفاً در بر گیرنده حقوق صاحبان سهام نبوده بلکه بدهیهای بلندمدت با سود تامین شده را نیز در بر میگیرد.

یکی از روشهای حداکثر کردن ثروت سهامداران که با ارائه سود سهام و افزایش در قیمت بازار سهام آنها صورت می گیرد، این است که هزینه کلیه دادهها، از جمله هزینه سرمایه^۲ حداقل شود. اگر بتوان یک رابطه معنادار بین ساختار سرمایه و هزینه سرمایه مشاهده کرد، آنگاه می توان ادعا کرد که اتخاذ شیوه مناسب تامین مالی می تواند موجب کاهش هزینه سرمایه و افزایش ثروت سهامداران شود. از این جنبه هزینه سرمایه از دید شرکتها با اهمیت تلقی می شود.

یکی از پیچیده ترین مسائلی که دامنگیر مدیران مالی کنونی است، رابطه بین اجزای تشکیل دهنده ساختار سرمایه^۳ است، و آن آمیزه ای از وام و سهام برای تامین مالی است. در عمل، مشکلات معینی در برآورد و کاربرد هزینه سرمایه برای ارزیابی تصمیمات سرمایه گذاری وجود دارد. در واقع، همان طور که منابع مختلف تامین مالی وجود دارد (سهام عادی، سهام ممتاز، وام و ...)، این منابع دارای هزینههای متفاوتی نیز هستند. به علت وابستگی متقابل هزینه سرمایه منابع معین، از میانگین موزون هزینه سرمایه^۴ به جای هزینه یک منبع معین سرمایه استفاده می شود. این هزینه میانگینی است که به عنوان معیار پذیرش برای پروژههای سرمایه گذاری استفاده می شود. یک پروژه سرمایه گذاری برای پذیرش باید حداقل نرخ بازدهی بیش از هزینه سرمایه آن به دست دهد (انصاری و صفری، ۱۳۹۱).

¹ Geyser & Liebenberg

² Cost of Capital

³ Capital Structure

⁴ Weighted Average Cost of Capital

رشد دارایی

برخی از اقلام صورت‌های مالی رشد و عملکرد مناسب واحد تجاری را نشان می‌دهند و در پیش بینی بازدهی سال‌های آتی نقش دارند (هریبار و کولینز^۱، ۲۰۰۲)، یکی از این موارد، رشد دارایی‌ها است. به طور کلی افزایش در دارایی‌های شرکت می‌تواند بیان کند شرکت در مسیر سودآوری حرکت می‌کند، اما نکته مهم این است که با شناخت اجزای رشد دارایی‌ها و اینکه از طریق کدام منابع مالی تهیه شده‌اند، می‌توان درک بهتری از این رشد داشت و با بررسی آن‌ها متوجه شد چه میزان از این رشد توان ایجاد بازده را دارد. چنین تحلیل‌هایی سبب می‌شود سرمایه‌گذاران، اشتباهات کمتری در برآوردهای خود انجام دهند (فیرفیلد و همکاران^۲، ۲۰۰۳). هدف از سرمایه‌گذاری در هر دارایی و یا مؤسسه‌ای علاوه بر حفظ سرمایه، کسب بازده است. با توجه به اینکه رشد دارایی به نوعی سرمایه‌گذاری در شرکت را نشان می‌دهد می‌توان انتظار داشت شرکتی که رشد دارایی بالایی دارد در سال‌های آتی بتواند بازده مناسبی به دست آورد و همین انتظار دتأثیر بر ارزش گذاری سرمایه‌گذاران بازده مورد انتظار آن‌ها را شکل می‌دهد. از سوی دیگر فرآیند سرمایه‌گذاری خود مستلزم تأمین منابع مالی است که باید به نحو کارا و با کمترین هزینه در اختیار واحدهای مورد نیاز جهت انجام فرآیند سرمایه‌گذاری قرار داده شود. از نظر مدیریتی، مدیران تمایل دارند واحد تحت کنترل خود را گسترش و دارایی‌های آن را افزایش دهند. این مسأله سبب می‌شود دارایی‌هایی به شرکت اضافه شوند که بازدهی منفی یا بازدهی بسیار کمی دارند و انتظارات را برآورده نمی‌کند. البته در بعضی موارد عکس العمل بیش از واقع سرمایه‌گذاران به دارایی‌های جدید موجب ایجاد رابطه منفی می‌شود (هیرشلایفر و همکاران^۳، ۲۰۰۴). جنسن^۴ (۱۹۸۶) در نظریه جریان نقد آزاد بیان می‌نماید که مدیران به جای توزیع وجوه نقد آزاد بین مالکان تمایل به سرمایه‌گذاری مجدد آن در شرکت دارند. زیرا پرداخت وجه به سهامداران، باعث کاهش منابع تحت کنترل مدیران و در نتیجه کاهش قدرت آن‌ها می‌گردد. مدیران تمایل به رشد بیش از اندازه دارایی‌ها دارند. زیرا رشد دارایی‌های شرکت با افزایش منابع تحت کنترل مدیران، افزایش قدرت و پاداش آن‌ها را در پی خواهد داشت. فرآیند سرمایه‌گذاری مستلزم تأمین مالی است و توانایی شرکت در تأمین منابع مالی، جهت سرمایه‌گذاری و تحصیل دارایی‌های مورد نیاز، از عوامل اصلی رشد و پیشرفت هر شرکت محسوب می‌شود. شرکت‌ها در تصمیمات تأمین مالی، به منابع مالی داخلی، شامل جریان‌های وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی، فروش دارایی‌ها و سود انباشته و منابع مالی خارجی شامل وجوه تحصیل شده از طریق بازار مالی مانند، انتشار اوراق مشارکت، صدور سهام جدید و دریافت تسهیلات مالی از بانک دسترسی دارند. مدیران باید تصمیم بگیرند وجوه مورد نیاز خود را چگونه تأمین کنند و منابع مالی در دسترس را چگونه مصرف کنند. آن‌ها می‌توانند این منابع مالی را صرف پرداخت سود به سهامداران، اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور، تسویه بدهی‌های موعود رسیده و افزایش سرمایه در گردش کنند (فرانک و گویال^۵، ۲۰۰۳). استفاده از هر یک از منابع تأمین مالی جهت تحصیل دارایی‌ها می‌تواند تأثیر متفاوتی بر بازده شرکت‌ها بگذارد و انتظار می‌رود هر یک از منابع مالی تأمین شده در صورتی که به مصارف پر بازده اختصاص یابد موجبات افزایش ثروت سهامداران (افزایش بازده سهام) را فراهم آورد. از آنجا که یکی از وظایف اصلی مدیران، حداکثر کردن ثروت سهامداران است، تأثیر روش‌های تأمین مالی و نحوه مصرف عواید حاصل از این روش‌ها بر بازده آتی سهام، برای آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مروری بر پیشینه پژوهش

عابدینی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با تخصص صنعت شرکای حسابرسی و اعضای کمیته حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که: تخصص صنعت شرکای حسابرسی و تخصص صنعت اعضای کمیته حسابرسی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد.

¹ Hribar & Collins

² Fairfield et al

³ Hirshleifer et al

⁴ Jensen

⁵ Frank & Goyal

دریائی و موسوی (۱۴۰۳) در بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر استراتژیهای مواجهه با ریسک حسابرسی: نقش تعدیلگر خوانایی صورتهای مالی بیان کردند، هدف این پژوهش بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر استراتژیهای مواجهه با ریسک حسابرسی شامل افزایش وقفه زمانی گزارش حسابرس، افزایش حق الزحمه حسابرسی و اظهارنظر تعدیل شده حسابرس است. همچنین، نقش تعدیلگر خوانایی صورتهای مالی بر این روابط مورد بررسی واقع میشود. نمونه آماری پژوهش از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ انتخاب شده است. فرضیه های پژوهش با استفاده از داده های ترکیبی و به کارگیری رگرسیون چندگانه خطی و لجیستیک آزمون شدند. مطابق با یافته های پژوهش اجتناب مالیاتی بر متغیرهای وقفه زمانی گزارش حسابرس و حق الزحمه حسابرسی فاقد اثرگذاری است، اما اجتناب مالیاتی بر اظهارنظر تعدیل شده حسابرس دارای اثر مثبت است. به این معنا که با افزایش اجتناب مالیاتی، ارائه اظهارنظر تعدیل شده نیز افزایش میابد. خوانایی صورتهای مالی با معیار شاخص طول متن دارای اثر تضعیف کننده بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر اظهارنظر تعدیل شده است. نتایج پژوهش نشان میدهد که حسابرسان بیشتر از ارائه اظهارنظر تعدیل شده (مشروط یا عدم اظهارنظر) برای پوشش ریسک ناشی از اجتناب مالیاتی استفاده میکنند. این موضوع میتواند ناشی از رقابت شدید در نرخ حق الزحمه حسابرسی در ایران و قدرت چانه زنی کم حسابرس در این موضوع باشد، زیرا وقفه زمانی گزارش حسابرس مرتبط با چالش حسابرسی است و چالش حسابرس تحت تأثیر محدودیتهای ناشی از بودجه زمانی کار حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی قرار دارد.

رستمی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی تأثیر فرصتهای سرمایه گذاری بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلگر افشای مسئولیت اجتماعی بیان کردند، این پژوهش با هدف بررسی تأثیر فرصتهای سرمایه گذاری بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیلگر افشای مسئولیت اجتماعی شرکتهای به انجام رسید. متغیر مستقل پژوهش، فرصتهای سرمایه گذاری و اجتناب از مالیات متغیر وابسته و متغیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت نیز در این پژوهش، تعدیلگر میباشد. این پژوهش از جنبه هدف، از نوع پژوهشهای کاربردی به شمار میرود، از بعد نحوه استنباط، در گروه پژوهشهای توصیفی-همبستگی قرار میگیرد. برای گردآوری اطلاعات، تعداد ۱۲۶ شرکت در دوره سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ به عنوان نمونه آماری از بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردید. فرضیه های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون پانل دیتا و رگرسیون ترکیبی در نرم افزار ۱۰ Eviews تجزیه و تحلیل گردید. تجزیه و تحلیل فرضیه ها با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی نشان داد که فرصتهای سرمایه گذاری، رابطه مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد، لذا با افزایش فرصتهای سرمایه گذاری، اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را افزایش میدهد. همچنین افشای مسئولیت اجتماعی شرکتهای، رابطه بین فرصتهای سرمایه گذاری و اجتناب مالیاتی را تضعیف میکند.

طاهری و جلیلی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان، اجتناب مالیاتی شرکتهای و تبیین رابطه آن با بیش اطمینانی مدیران و ویژگیهای کمیته حسابرسی بیان کردند، برای دستیابی به هدف این پژوهش، ابتدا رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی و سپس نقش تعدیلی ویژگیهای کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری این پژوهش، شامل ۱۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است. یافته های پژوهش، حاکی از آن است که مطابق با پیش بینی نظریه نمایندگی بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکتهای دارای مدیران بیش اطمینان، از اجتناب مالیاتی بیشتری برخوردار هستند. همچنین، نتایج نشان داد ویژگیهای کمیته حسابرسی، رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت را تضعیف میکند.

فلاح سوکه و همکاران (۱۴۰۲) به مطالعه بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی با استفاده از معادلات رگرسیون خطی پرداختند. یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که اندازه شرکت، اهرم مالی و شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت رابطه معناداری با اجتناب مالیاتی نشان نداد. از اینرو نتایج تحقیق حاضر می تواند در ارائه مدلی بهتر جهت ارتقای برنامه ریزی ها در جلوگیری از اجتناب مالیاتی کمک شایان ذکری نماید.

داودی (۱۴۰۲) به مطالعه بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات با ساختار سرمایه شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش در ارتباط با تایید فرضیه اول پژوهش نشان از آن داشت که بین نسبت سرمایه‌گذاری نهادی و فرار مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه دوم پژوهش به این نتیجه رسیدیم که بین نوسانات سود و فرار مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. در نهایت با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه سوم پژوهش به این نتیجه رسیدیم که بین نسبت سود پرداختی به سرمایه‌گذاری نهادی و فرار مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

ساحیون و مگنان^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی تأثیر شیوه‌های پیشگیری از فساد را بر اجتناب مالیاتی از منظر تئوری نونهادی بررسی کردند. همچنین، با در نظر گرفتن اثر تعدیلگر ویژگی‌های هیئت مدیره شرکت‌ها بر ارتباط بین شیوه‌های پیشگیری از فساد و اجتناب مالیاتی، ادبیات موجود در زمینه فساد و مالیات را بررسی کردند. یافته‌های پژوهشی بر اساس نمونه‌های از شرکت‌های فهرست شده در بورس (FTSE 350 انگلستان UK) نشان می‌دهند که تعهد یک شرکت به پیاده‌سازی شیوه‌های کارآمد ضد فساد با اجتناب مالیاتی کمتر مرتبط است. علاوه بر این، ویژگی‌های هیئت مدیره شرکت‌ها، روش‌های ضد فساد را در راستای کاهش اجتناب مالیاتی شرکت تقویت می‌کنند. یافته‌های ما شواهد مفیدی را برای دولت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها و سایر ذینفعانی که هدفشان تعیین بهترین رویه‌های کسب و کار است، فراهم می‌کند که می‌تواند به کاهش ریسک اجتناب مالیاتی شرکت‌ها کمک کند. به طور کلی، یافته‌های ما بر اساس معیارهای جایگزین اجتناب مالیاتی و انواع مختلف روش‌های رگرسیون چند متغیره، یعنی حداقل مربعات معمولی، حداقل مربعات دو مرحله‌ای و تکنیک‌های رگرسیون توییت معتبر هستند.

دانگ و نگوین^۲ (۲۰۲۲) در بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی در ویتنام بیان کردند، در این پژوهش از داده‌های شرکت‌های غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار شهر هوشی مین و بورس هانوی در دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ استفاده شده است. نتایج بدست آمده با استفاده از تخمین FEM و SGMM برای داده‌های پانلی، نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های کمیته حسابرسی اجتناب مالیاتی متفاوت است. به طور خاص، نتایج نشان داد که اندازه کمیته حسابرسی با اجتناب مالیاتی همبستگی مثبت دارد، درحالی‌که نسبت اعضای زن، کارشناسان مالی و حسابداری کمیته حسابرسی می‌تواند رفتارهای اجتناب مالیاتی را محدود کند. یافته‌های ما اهمیت زیادی برای شرکت‌های پذیرفته شده برای تقویت نقش کمیته حسابرسی در محدود کردن رفتار اجتناب مالیاتی دارد.

مین‌ها و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در تحقیقی به بررسی رابطه میان رابطه بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی بر هزینه بدهی تجاری پرداخته‌اند. با شروع تئوری‌های کلاسیک در مورد امور مالی، مانند نظریه ساختار سرمایه، نظریه معاوضه ساختار سرمایه و تئوری دستور نوک زدن، ادبیات رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی را با توجه به هزینه تجاری بدهی نشان می‌دهد. با این حال، تأثیر اجتناب از مالیات و مالکیت نهادی بر سیاست بدهی شرکت‌ها در ویتنام موضوعی است که کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. هدف این مطالعه شناسایی تأثیر عوامل ذکر شده بر سیاست استقراض تجاری با استفاده از داده‌های ۲۰۷ شرکت فهرست شده در بورس اوراق بهادار شهر هوشی مین (HOSE) در ویتنام از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ است. این مطالعه از مدل پیشنهادی لیم استفاده می‌کند. در سال ۱۳۸۸ به هدف پژوهشی مذکور با روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان پذیر (FGLS) دست یافت تا بر هر گونه نقصی غلبه کند. نتایج مطالعه هیچ شواهد تجربی قطعی از رابطه بین هزینه بدهی کسب و کار و اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی را نشان نمی‌دهد. این نتیجه با نتیجه‌گیری در مطالعات قبلی در تضاد است و می‌توان آن را با ویژگی‌های بازار تأمین مالی در ویتنام توضیح داد، جایی که سازمان‌های مالی اغلب بر نتایج کسب‌وکار و کارایی مدیریت در تصمیم‌گیری‌های وام‌دهی تمرکز می‌کنند و این ویژگی هیچ نشانه‌ای از تغییر به زودی نیست.

¹ Sahyoun & Magnan

² Dang & Nguyen

³ Minh Ha et al

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد دارایی‌های شرکت اثر دارد.

فرضیه دوم: اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد هزینه سرمایه شرکت اثر دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم جهت انجام پژوهش با استفاده از کتب، نشریات، مقالات و مجلات جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که موضوع پژوهش در ارتباط با شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا نمونه آماری نیز از این شرکت‌ها بوده و به گونه‌ای انتخاب شده است که از کلیه صنایع فعال در بورس، نمونه انتخاب شده و این نمونه قابلیت تعمیم نتایج حاصله از پژوهش به کل جامعه آماری (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران) را دارا می‌باشد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم افزار ایویوز استفاده شده است، جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ شامل ۱۲۵ شرکت است، از میان این شرکت‌ها، شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند در نظر گرفته شدند.

مدل و متغیرهای پژوهش

رگرسیون فرضیه اول که در آن به بررسی اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد دارایی‌ها پرداخته می‌شود. که انتظار بر این است که β_1 دارای علامت منفی و معنادار باشد.

$$AGROWTH_{it} = \alpha_0 + \beta_1 TAX_a_{it} + \beta_2 Cash_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Roa_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 Mb_{it} + \beta_7 Sgrwth_{it} + \beta_8 Agef_{it} + \beta_9 INSTOWN_{it} + \beta_{10} Fcf_{it} + \beta_{12} Loss_{it} + \beta_{13} ADV_{it} + \beta_{14} INTANG_{it} + \beta_{15} PPENT_{it} + \beta_{16} DUAL_{it} + \beta_{17} Boards_{it} + \varepsilon_{it}$$

رگرسیون فرضیه دوم که در آن به بررسی اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد هزینه‌های سرمایه شرکت پرداخته می‌شود. که انتظار بر این است که β_1 دارای علامت منفی و معنادار باشد.

$$CAPEX_{it} = \alpha_0 + \beta_1 TAX_a_{it} + \beta_2 Cash_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 Roa_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 Mb_{it} + \beta_7 Sgrwth_{it} + \beta_8 Agef_{it} + \beta_9 INSTOWN_{it} + \beta_{10} Fcf_{it} + \beta_{12} Loss_{it} + \beta_{13} ADV_{it} + \beta_{14} INTANG_{it} + \beta_{15} PPENT_{it} + \beta_{16} DUAL_{it} + \beta_{17} Boards_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

اجتناب از پرداخت مالیات

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. متغیر مستقل در این مدل اجتناب از مالیات می‌باشد که معیار آن نرخ موثر مالیاتی بلند مدت می‌باشد. هر چه اندازه این شاخص بزرگتر باشد، سطح اجتناب از مالیات این شرکت کمتر است (سید و همکاران، ۲۰۲۱).

این معیار با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{مالیات نقدی پرداختی} \\ \text{سود حسابداری قبل از مالیات}$$

متغیر وابسته

رشد دارایی‌ها (AGROWTH): برابر است با میزان رشد در دارایی‌های شرکت در طی دو دوره متوالی که اگر رشد داشته باشد میزان امپراتورسازی در آنها بیشتر خواهد بود.

رشد هزینه سرمایه (CAPEX): برابر است با میزان رشد در هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت در طی دو دوره متوالی که اگر رشد داشته باشد میزان امپراتورسازی در آنها بیشتر خواهد بود. که برابر است با تغییرات در جریان نقد ناشی از خرید دارایی‌های ثابت در صورت حساب جریان نقد.

رشد در ماشین‌آلات، اموال و تجهیزات (PPEGROWTH): برابر است با میزان رشد در دارایی ماشین‌آلات، اموال و تجهیزات شرکت در طی دو دوره متوالی که اگر رشد داشته باشد میزان امپراتورسازی در آنها بیشتر خواهد بود.

متغیرهای کنترل

- Cash: نسبت وجه نقد به کل دارایی‌های شرکت
- Lev: نسبت مجموع بدهی‌ها به کل دارایی
- Roa: نسبت سود و زیان شرکت به کل دارایی‌ها
- Size: لگاریتم دارایی‌های شرکت در پایان دوره
- Mb: نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
- Sgrwth: رشد فروش شرکت نسبت به دوره گذشته
- Agef: لگاریتم سن شرکت از زمان تاسیس
- INSTOWN: نسبت سهام نگهداری شده توسط سهامداران عمده (بزرگترین سهامدار) به کل سهامداران
- Fcf: جریان وجه نقد عملیاتی شرکت بر کل دارایی شرکت.
- Loss: اگر شرکت زیان ده باشد عدد در غیر این صورت صفر.
- ADV: نسبت هزینه‌های تبلیغات و بازاریابی تقسیم بر کل درآمد شرکت‌ها
- INTANG: نسبت دارایی‌های غیر مشهود به کل دارایی‌ها
- PPENT: نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌ها
- DUAL: اگر مدیر عامل شرکت همزمان رئیس هیات مدیره نیز باشد عدد یک در غیر این صورت صفر.
- Boards: لگاریتم تعداد اعضا هیات مدیره شرکت‌ها.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

علامت اختصاری	متغیر	کوچکترین	بزرگترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
متغیر وابسته							
AGROWTH	رشد در دارایی‌ها	-۰/۲۷	۲/۹۵	۰/۳۵	۰/۵۳	۳/۴۳	۲/۳۲
CAPEX	رشد مخارج سرمایه‌ای	-۰/۲۱	۴/۴۱	۰/۵۳	۰/۷۳	۲/۵	۴/۹۴
PPEGROWTH	رشد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰/۲۲	۲/۰۳	۰/۳۳	۱/۲۵	۱/۵۷	۶/۸۵
متغیر مستقل							
TAX_a	اجتناب از پرداخت مالیات	-۰/۴۶	-۰/۰۱	-۰/۲۴	۰/۷۵	-۷/۳۴	۶/۵۱
متغیرهای کنترل							
Cash	نسبت وجه نقد شرکت	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۶	۳/۵۷	۱/۹۶
Lev	اهرم شرکت	۰/۰۳	۰/۹	۰/۴۷	۰/۲۴	-۰/۳۲	۲/۱۲
Roa	بازده دارایی‌ها	-۰/۲۷	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۱۴	-۰/۰۰۴	۲/۰۹
Size	اندازه شرکت	۴/۲۶	۹/۴	۶/۵۵	۰/۸۸	۰/۶۶	۳/۵۵
Mb	نسبت ارزش	-۲/۰۰۲	۵/۶۸	۲/۲۳	۴/۷۴	-۱/۹۳	۵/۸۶

علامت اختصاری	متغیر	کوچکترین	بزرگترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
Sgrwth	رشد شرکت	-۰/۲۳	۱/۴۳	۰/۲۵	۰/۵۵	۴/۶۶	۴/۹۴
Agef	سن شرکت	۱/۱۴	۱/۸۵	۱/۵۸	۰/۱۵	-۰/۶۹	۲/۹۳
INSTOWN	مالکیت سهامداران عمده	۱۷/۳	۹۴/۹۵	۶۵/۸	۲/۴	-۰/۶۳	۲/۵۶
Fcf	نسبت جریان نقد عملیاتی	۰/۰۰۶	۰/۰۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸۹	۲/۷۵	۱/۵۵
Loss	زیان ده بودن شرکت	۰	۱	۰/۵۲	۰/۴۹	-۰/۱۱	۱/۰۱
ADV	نسبت هزینه‌های تبلیغات	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۰۱۷	۰/۰۷۲	۱/۳۱	۲/۶۶
INTANG	نسبت دارایی‌های نامشهود در شرکت	۰	۰/۰۵۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۷۲	۳/۵۳	۱/۸۸
PPENT	نسبت اموال و ماشین آلات	۰/۰۱۱	۰/۷۸	۰/۲۴	۰/۱۷	۰/۹۳	۳/۶۳
DUAL	نقش دوگانه مدیر عامل	۰	۱	۰/۴۱	۰/۴۹	۰/۳۴	۱/۱۲
Boards	تعداد اعضا هیات مدیره	۰/۶۰۲	۰/۸۴۵	۰/۷۰۰	۰/۰۱۵	۸/۶۵	۸/۵۱
متغیرهای تعدیلگر							
AGROWTH	رشد در دارایی‌های شرکت	-۰/۲۷	۳/۹۵	۰/۳۵	۰/۵۳	۳/۴۳	۲/۳۲
CAPEX	رشد در مخارج سرمایه‌ای	-۰/۲۱	۵/۴۱	۰/۵۳	۰/۷۳	۲/۵	۴/۹۴
PPEGROWTH	رشد اموال، ماشین آلات و تجهیزات	-۰/۲۲	۲/۰۳	۰/۳۳	۱/۲۵	۱/۵۷	۶/۸۵
تعداد مشاهدات ۱۰۱۲							

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد دارایی‌های شرکت اثر معنادار دارد. مدل رگرسیونی که برای اجرای فرضیه مذکور مورد استفاده قرار گرفته است به شرح ذیل می‌باشد:

نگاره ۲. نتایج تخمین رگرسیون برای فرضیه اول

نام متغیر	علامت اختصاری	ضریب	انحراف استاندارد	آماره z	p-value	رگرسیون
اجتناب مالیاتی	TAX_a	-۰/۵۵	۰/۰۲۱	-۲۷/۵	۰/۰۰۰	$p\text{-value}=۰/۰۰۰$ $X^2=۱۴۶۷/۰۰$ $R^2=۰/۷۹$ تعدیل شده
وجه نقد به کل دارایی	Cash	-۰/۷۲	۰/۱۵	-۴/۶۵	۰/۰۰۰	
نسبت بدهی به کل دارایی	Lev	-۰/۱۱	۰/۰۶۴	-۱/۸۱	۰/۰۰۷۱	
نسبت سود و زیان به کل دارایی	Roa	۰/۰۳۵	۰/۱۱	۰/۳۵	۰/۷۲۵	
لگاریتم دارایی شرکت	Size	-۰/۰۰۵	۰/۰۱	-۰/۴۸	۰/۶۳	
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	Mb	-۰/۰۰۰۰۴	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۱	۰/۹۹۵	
رشد فروش شرکت	Sgrwth	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	-۰/۲۳	۰/۰۲	
سن شرکت	Agef	-۰/۰۳۶	۰/۰۵۹	-۰/۶۳	۰/۵۲۶	
مالکیت سهامداران عمده	INSTOWN	۰/۰۰۰۳۶	۰/۰۰۰۳	۰/۹۳	۰/۹۳۴	
جریان نقد عملیاتی به کل دارایی	Fcf	۳/۰۲	۱/۱۰۶	۲/۷۴	۰/۰۰۶	
زیان ده بودن شرکت	Loss	-۰/۱۸۸	۰/۰۱۸	-۱۰/۴۱	۰/۰۰۰	
هزینه تبلیغات به درآمد شرکت	ADV	۰/۱۶۶	۰/۳۳۶	۰/۵	۰/۶۲	
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTANG	-۳/۲۴	۱/۴۲	-۲/۲۶	۰/۰۲۴	
اموال و ماشین آلات و تجهیزات	PPENT	-۰/۰۵۱	۰/۰۶۴	-۰/۲۴	۰/۸۰۸	
نقش دوگانه مدیر عامل	DUAL	۰/۲۰۰۲	۰/۰۱۵	۱۲/۷۸	۰/۰۰۰	
اندازه هیات مدیره شرکت	Boards	۰/۲۱	۰/۴۲	۰/۵	۰/۶۱۴	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که از نتایج نگاره (۲) بدست آمده که در آن به بررسی فرضیه اول با عنوان اثر گذاری اجتناب از پرداخت‌های مالیاتی بر رشد دارایی‌های شرکت پرداخته شده است، نتایج نشان دهنده آن است که رابطه معناداری میان متغیرهای مذکور در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد، بنابراین فرضیه اول تایید شده است. از دیدگاه آماری می‌توان اینگونه بیان کرد که ضریب متغیر وابسته پژوهش با عنوان اجتناب از پرداخت مالیات دارای مقدار عددی ۰/۵۵ بوده است که نشان دهنده آن است که در صورتی که متغیر مذکور به مقدار یک واحد تغییر داشته باشد میزان تغییر در متغیر وابسته پژوهش یعنی میزان تغییر در دارایی‌های شرکت به عنوان معیار امپراتوری سازی ۰/۵۵ تغییر خواهد داشت. از سویی از دیدگاه بررسی علامت تغییر نیز می‌توان اینگونه بیان نمود که رابطه میان متغیر اجتناب از پرداخت مالیات نیز نشان دهنده آن است که هرچه عدد مذکور بزرگتر باشد یعنی دارای نسبت بزرگتری باشند، نشان دهنده اجتناب مالیاتی کمتر در شرکت های نمونه پژوهش حاضر بوده است لذا ضریب منفی نشان دهنده آن است هرچه اجتناب مالیات در شرکت‌ها عدد کوچکتری باشد (اجتناب مالیات بیشتر در شرکت‌ها ایجاد شود) منجر به افزایش رشد دارایی در شرکت های نمونه پژوهش حاضر خواهد شد. لذا میتوان از دیدگاه حسابداری اینگونه تفسیر نمود که در شرکت‌هایی که اجتناب مالیات بیشتری اتفاق می‌افتد طبق مبانی نظری که مدیران شرکت‌ها به دنبال ایجاد امپراتوری‌های کلان برای خود هستند ممکن است سرمایه گذاری‌های زیادی را برای دارایی‌های شرکت هزینه نمایند که از این طریق مدیر شرکتی شوند که دارای دارایی‌های زیاد یا همان امپراتوری‌های قوی باشند لذا طبق مبانی نظری مطرح شده انتظار بر این است که مدیران شرکت های دارای اجتناب مالیاتی بیشتر از این فرصت و منابع بدست آمده بجای استفاده در فرصت‌های سرمایه گذاری بهتر و افزایش ثروت سهامداران، رو به سرمایه گذاری‌هایی آورند که بازدهی مناسبی نداشته و تنها منجر به رشد دارایی‌های فیزیکی در شرکت‌ها شوند که کارایی و بهره‌وری خاصی را برای شرکت‌ها ایجاد نمی‌نماید. میزان R^2 تعدیل شده مدل نشان دهنده آن است که برای مدل رگرسیونی مذکور از قدرت توضیح خوبی برخوردار است که فرضیه در خصوص متغیرهای تعدیلگر این آماره بیشتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در خصوص رابطه میان متغیرهای کنترل پژوهش نتایج نشان دهنده آن است که متغیرهای وجه نقد به کل دارایی شرکت و همچنین نسبت بدهی کل شرکت به دارایی آن و همچنین میزان رشد در فروش شرکت‌ها و نسبت جریان‌های نقد عملیاتی در شرکت‌های مختلف بازار سرمایه به کل دارایی تحت تملک آنها و همچنین زیان ده بودن شرکت‌ها و از سویی میزان نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی و نقش همزمان مدیر عاملی و رئیس هیات مدیره در شرکت‌ها در سطح معناداری ۰/۰۵ دارای رابطه معنادار بوده است.

فرضیه دوم: اجتناب از پرداخت مالیات بر رشد هزینه سرمایه شرکت اثر معنادار دارد.

نگاره ۳. نتایج تخمین رگرسیون برای فرضیه دوم

توصیف متغیر	علامت اختصاری متغیرها	ضریب	انحراف استاندارد	آماره z	p-value	رگرسیون
اجتناب مالیاتی	TAX_a	-۰/۵۵	۰/۰۳۹	-۱۴/۴۱	۰/۰۰۰	$p\text{-value}=۰/۰۰۰$ $X^2=۴۲۵/۵$ آمار و χ^2 $R^2=۰/۴۴$ تعدیل شده
وجه نقد به کل دارایی	Cash	-۰/۹۲	۰/۲۲۶	-۳/۴۵	۰/۰۰۱	
نسبت بدهی به کل دارایی	Lev	-۰/۴۷	۰/۱۳	-۳/۵۲	۰/۰۰۰	
نسبت سود و زیان به کل دارایی	Roa	۰/۵۰۷	۰/۲۱۲	۲/۴۱	۰/۰۱۵۶	
لگاریتم دارایی شرکت	Size	-۰/۰۲۱	۰/۰۲	-۱/۰۷	۰/۲۸۷	
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	Mb	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۵	-۰/۲۴	۰/۸۱۳	
رشد فروش شرکت	Sgrwth	-۰/۰۱۸	۰/۰۲۵	-۰/۷۲	۰/۴۷۱	
سن شرکت	Agef	۰/۱۰۵	۰/۱۲۶	۰/۸۴	۰/۴۰۳	
مالکیت سهامداران عمده	INSTOWN	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۸۱	۲/۳۷	۰/۰۸۱	
جریان نقد عملیاتی به کل دارایی	Fcf	-۳/۳۷	۲/۶۸	-۱/۲۶	۰/۲۱	
زیان ده بودن شرکت	Loss	-۰/۲۶۲	۰/۰۴۱	-۶/۳۷	۰/۰۰۰	
هزینه تبلیغات به درآمد شرکت	ADV	۰/۵۵۵	۰/۸۲۵	۰/۶۷	۰/۵۰۱	

توصیف متغیر	علامت اختصاری متغیرها	ضریب	انحراف استاندارد	آماره z	p-value	رگرسیون
دارایی نامشهود به کل دارایی	INTANG	-۴/۱۵	۲/۰۸۷	-۲/۰۰	۰/۰۴	
اموال و ماشین آلات و تجهیزات	PPENT	۰/۵۳۱	۰/۱۱۱	۱/۳۷	۰/۱۷	
نقش دوگانه مدیر عامل	DUAL	۰/۱۷۸	۰/۰۳۴	۵/۲۲	۰/۰۰۰	
اندازه هیات مدیره شرکت	Boards	۰/۶۴۲	۰/۶۵	۰/۹۹	۰/۳۲۴	

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به یافته های بدست آمده از نگاره (۳) که در خصوص رابطه میان اجتناب از پرداخت مالیاتی و رشد هزینه سرمایه شرکتها بحث شده بیانگر آن است که، رابطه مذکور در سطح معناداری ۰/۰۵ تایید شده است، بنابراین فرضیه دوم تایید شده است. از دیدگاه آماری نتایج نشان دهنده آن است که ضریب متغیر اجتناب از پرداخت مالیات در نمونه شرکت های پژوهش برابر با ۰/۵۵ بوده است که بیانگر آن است که در صورت تغییر یک واحد در متغیر فوق اشاره میزان تغییر در متغیر وابسته به میزان عدد مذکور بوده است و همچنین نتایج نشان دهنده آن است که در صورتی که میزان اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت ها رشد داشته باشد یا به عبارتی میزان پرداخت مالیات در شرکت ها کاهش داشته باشد با توجه به علامت ضریب متغیر مذکور میزان رشد در هزینه سرمایه ای شرکت افزایش خواهند داشت. از منظر تئوری های مطرح شده در حسابداری می توان اینگونه بیان داشت که فرضیه دوم بطور کلی تایید شده است که اجتناب مالیاتی منجر به رشد دارایی های شرکت و در نهایت امپراتورسازی شرکت ها خواهد شد و در فرضیه حاضر بطور جزئی تر بررسی شده است که در صورتی مدیران شرکت میزان هزینه های زیادی را در بخش های مختلفی از جمله خرید دارایی های سرمایه ای انجام دهند، این موضوع منجر به آن خواهد شد که مدیران شرکت ها به دنبال ایجاد امپراتوری در شرکت ها خود از طریق خرید دارایی های سرمایه ای هستند که منجر به راکد شدن منابع نقدی شرکت در دارایی های ثابت و از بین رفتن فرصت های مختلف سرمایه گذاری پیش آمده خواهد شد و از این طریق بر رشد ارزش شرکت و سهامداران نیز موثر خواهد بود، لذا طبق پژوهش انتظار بر این است که یکی دیگر از راه کارهایی که ممکن است مدیران شرکت برای ایجاد و گسترش امپراتوری خود در شرکت ها از آن استفاده نمایند رشد دارایی های سرمایه ای یا خرید آنها خواهد بود که منجر به خروج منابع نقدی از شرکت و امکان فرصت های بهتر سرمایه گذاری خواهد شد. در خصوص میزان R^2 تعدیل شده مقدار آن برابر با ۰/۴۴ بوده است که نشان دهنده آن است سطح آماره مذکور در سطح قابل قبولی بوده است. در رابطه با ارتباط میان متغیرها، کنترل با متغیر وابسته و همچنین سطح معناداری نتایج، نشان دهنده آن است که متغیرهای وجه نقد در شرکت به کل دارایی، نسبت میزان بدهی شرکت به کل دارایی های آنها، نسبت سود و زیان کسب شده توسط شرکت از طریق دارایی، میزان مالیکت کسب شده توسط سهامداران عمده، زیان ده بودن در ساختار عملیاتی شرکتها، نسبت دارایی های نامشهود به کل دارایی ها و همچنین نوع نقش مدیر عامل در شرکت و هیات مدیره دارای رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۵ بوده اند.

نتیجه گیری

فرضیه اول با عنوان اثر گذاری اجتناب از پرداخت های مالیاتی بر رشد دارایی های شرکت پرداخته شده است، نتایج نشان دهنده آن است که رابطه معناداری میان متغیرهای مذکور وجود دارد، بنابراین فرضیه اول تایید شده است. از دیدگاه آماری می توان اینگونه بیان کرد که ضریب متغیر وابسته پژوهش با عنوان اجتناب از پرداخت مالیات دارای مقدار عددی ۰/۵۵ بوده است که نشان دهنده آن است که در صورتی که متغیر مذکور به مقدار یک واحد تغییر داشته باشد میزان تغییر در متغیر وابسته پژوهش یعنی میزان تغییر در دارایی های شرکت به عنوان معیار امپراتوری سازی ۰/۵۵ تغییر خواهد داشت. از سویی از دیدگاه بررسی علامت تغییر نیز می توان اینگونه بیان نمود که رابطه میان متغیر اجتناب از پرداخت مالیات نیز نشان دهنده آن است که هرچه عدد مذکور بزرگتر باشد یعنی دارای نسبت بزرگتری باشند، نشان دهنده اجتناب مالیاتی کمتر در شرکت های نمونه پژوهش حاضر بوده است لذا ضریب منفی نشان دهنده آن است هرچه اجتناب مالیات در شرکت ها عدد کوچکتری باشد (اجتناب مالیات بیشتر

در شرکت‌ها ایجاد شود) منجر به افزایش رشد دارایی در شرکت‌های نمونه پژوهش حاضر خواهد شد. لذا میتوان از دیدگاه حسابداری اینگونه تفسیر نمود که در شرکت‌هایی که اجتناب مالیات بیشتری اتفاق بیفتد طبق مبانی نظری که مدیران شرکت‌ها به دنبال ایجاد امپراتوری‌های کلان برای خود هستند ممکن است سرمایه‌گذاری‌های زیادی را برای دارایی‌های شرکت هزینه نمایند که از این طریق مدیر شرکتی شوند که دارای دارایی‌های زیاد یا همان امپراتوری‌های قوی باشند، لذا طبق مبانی نظری مطرح شده انتظار بر این است که مدیران شرکت‌های دارای اجتناب مالیاتی بیشتر، از این فرصت و منابع بدست آمده بجای استفاده در فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر و افزایش ثروت سهامداران رو به سرمایه‌گذاری‌هایی آورند که بازدهی مناسبی نداشته و تنها منجر به رشد دارایی‌های فیزیکی در شرکت‌ها شوند که کارایی و بهره‌وری خاصی را برای شرکت‌ها ایجاد نمی‌نماید. میزان ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان دهنده آن است که برای مدل رگرسیونی مذکور از قدرت توضیح خوبی برخوردار است که در فرضیه دوم در خصوص متغیرهای تعدیلگر این آماره بیشتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در خصوص رابطه میان متغیرهای کنترلی پژوهش نتایج نشان دهنده آن است که متغیرهای وجه نقد به کل دارایی شرکت و همچنین نسبت بدهی کل شرکت به دارایی آن و همچنین میزان رشد در فروش شرکت‌ها و نسبت جریان‌های نقد عملیاتی در شرکت‌های مختلف بازار سرمایه به کل دارایی تحت تملک آنها و همچنین زیان ده بودن شرکت‌ها و از سویی میزان نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی و نقش همزمان مدیر عاملی و رئیس هیات مدیره در شرکت‌ها دارای رابطه معنادار بوده است. با توجه به یافته‌های بدست آمده در خصوص رابطه میان اجتناب از پرداخت مالیاتی و رشد هزینه سرمایه شرکت‌ها بحث شده بیانگر آن است که، رابطه مذکور تایید شده است، بنابراین فرضیه دوم تایید شده است. از دیدگاه آماری نتایج نشان دهنده آن است که ضریب متغیر اجتناب از پرداخت مالیات در نمونه شرکت‌ها پژوهش برابر با ۰/۵۵ بوده است که بیانگر آن است که در صورت تغییر یک واحد در متغیر فوق‌الاشاره میزان تغییر در متغیر وابسته به میزان عدد مذکور بوده است و همچنین نتایج نشان دهنده آن است که در صورتی که میزان اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌ها رشد داشته باشد یا به عبارتی میزان پرداخت مالیات در شرکت‌ها کاهش داشته باشد با توجه به علامت ضریب متغیر مذکور میزان رشد در هزینه سرمایه‌ای شرکت افزایش خواهند داشت. از منظر تئوری‌های مطرح شده در حسابداری می‌توان اینگونه بیان داشت که در فرضیه اول بطور کلی تایید شده است که اجتناب مالیاتی منجر به رشد دارایی‌های شرکت و در نهایت امپراتورسازی شرکت‌ها خواهد شد و در فرضیه حاضر به طور جزئی‌تر بررسی شده است، در صورتی که مدیران شرکت میزان هزینه‌های زیادی را در بخش‌های مختلفی از جمله خرید دارایی‌های سرمایه‌ای انجام دهند این موضوع منجر به آن خواهد شد که مدیران شرکت‌ها به دنبال ایجاد امپراتوری در شرکت‌های خود از طریق خرید دارایی‌های سرمایه‌ای هستند که منجر به راکد شدن منابع نقدی شرکت در دارایی‌های ثابت و از بین رفتن فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری پیش آمده خواهد شد و از این طریق بر رشد ارزش شرکت و سهامداران نیز موثر خواهد بود. لذا طبق پژوهش، انتظار بر این است که یکی دیگر از راه‌کارهایی که ممکن است مدیران شرکت برای ایجاد و گسترش امپراتوری خود در شرکت‌ها از آن استفاده نمایند، رشد دارایی‌های سرمایه‌ای یا خرید آنها خواهد بود که منجر به خروج منابع نقدی از شرکت و امکان فرصت‌های بهتر سرمایه‌گذار خواهد شد. در خصوص میزان ضریب تعیین تعدیل شده مقدار آن برابر با ۰/۴۴ بوده است که نشان دهنده آن است سطح آماره مذکور در سطح قابل قبولی بوده است.

در رابطه با ارتباط میان متغیرهای کنترلی با متغیر وابسته و همچنین سطح معناداری نتایج نشان دهنده آن است که متغیرهای وجه نقد در شرکت به کل دارایی، نسبت میزان بدهی شرکت به کل دارایی‌های آنها، نسبت سود و زیان کسب شده توسط شرکت از طریق دارایی، میزان مالکیت کسب شده توسط سهامداران عمده، زیان ده بودن در ساختار عملیاتی شرکت‌ها، نسبت دارایی‌های نامشهود به کل دارایی‌ها و همچنین نوع نقش مدیر عامل در شرکت و هیات مدیره دارای رابطه معناداری بوده اند.

پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

در خصوص نتایج حاصل از فرضیه پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

پیشنهاد می‌شود در پژوهشی به بررسی اثر گذاری ویژگی‌های غرور مدیر عامل و همچنین خودشیفتگی آنها بر میزان

امپراتورسازی در آن شرکت ها پرداخته شود با نقش تعدیلگری شرکت های دولتی و خصوصی. پیشنهاد می شود در پژوهشی به نقش مالکیت نهادی و عمده را در رابطه میان امپراتورسازی در شرکت و میزان بحران مالی پرداخته شود.

در پژوهشی به بررسی اثر غرور مدیر عامل شرکت ها و همچنین نوع شرکت ها بر اساس دولتی یا خصوصی بودن بررسی و اثرات آن را بر میزان مدیریت سود در شرکت های بازار سرمایه ایران مورد بررسی قرار دهند. پیشنهاد می شود در پژوهشی به بررسی اثرگذاری سطح شفافیت و افشا اطلاعات بر سطح اجتناب از پرداخت مالیات و همچنین ارتقای امپراتوری مدیران شرکت های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران بررسی شود.

منابع

- انصاری، عبدالمهدی، و صفری بیدسکان، سعید. (۱۳۹۱). بررسی تأثیرپذیری هزینه سرمایه از اهرم عملیاتی و اهرم مالی. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۴(۳)، ۳۳-۴۶.
- داودی، ابراهیم. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات با ساختار سرمایه شرکت ها. نهمین کنفرانس ملی یافته های نوین علوم و تکنولوژی با محوریت کامپیوتر، مدیریت و حسابداری، تهران.
- دریائی، عباسعلی، و موسوی، سیدسپهر. (۱۴۰۳). اثر اجتناب مالیاتی بر استراتژی های مواجهه با ریسک حسابداری: نقش تعدیل گر خوانایی صورت های مالی. مجله حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، ۵(۲)، ۵۱-۷۵.
- رستمی، شعیب، ذوالفقاری، مهدی، شادفرد، زهره. (۱۴۰۳). تأثیر فرصت های سرمایه گذاری بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیل گر افشای مسئولیت اجتماعی. مجله حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، ۴(۱)، ۹۱-۱۰۵.
- طاهری، ماندانا، و جلیلی، محمد. (۱۴۰۲). اجتناب مالیاتی شرکت ها و تبیین رابطه آن با بیش اطمینانی مدیران و ویژگی های کمیته حسابرسی. پژوهشنامه مالیات، ۳۱(۵۷)، ۲۹-۵۰.
- عابدینی، غزاله، و دارابی، رویا. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با تخصص صنعت شرکای حسابرسی و اعضای کمیته حسابرسی. حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، ۵(۳)، ۳۷-۵۶.
- فلاح سوقه، امیر، خردیار، سینا، پورعلی، محمدرضا، و صمدی لرگانی، محمود. (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی با استفاده از معادلات رگرسیون خطی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲(۴۵)، ۵۳۳-۵۴۴.
- Abedini, G., & Darabi, R. (1403). Investigating the relationship between tax avoidance and industry expertise of audit partners and audit committee members. *Public Sector Accounting and Budgeting*, 5(3), 37-56. (in Persian)
- Ansari, A., & Safari Bideskan, S. (2012). The Investigation of Operating Leverage (OL) and Financial Leverage (FL) Being Effectuated of Cost of Capital in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 4(3), 33-46. (in Persian)
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T., (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?. *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
- Dang, V. C., & Nguyen, Q. K. (2022). Audit committee characteristics and tax avoidance: Evidence from an emerging economy. *Cogent Economics & Finance*, 10(1), 2023263-202.
- Daryaei, A. A., & Mousavi, S. S. (2014). The effect of tax avoidance on audit risk coping strategies: The moderating role of financial statement readability. *Journal of Public Sector Accounting and Budgeting*, 5(2), 51-75. (in Persian)
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Review of Economics & Statistics*, 91(3), 537-546.
- Dittmar, A., & Mahrt-Smith, J. (2007). Corporate governance and the value of cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 83(3), 599-634.
- Dyregang, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L., & Thornock, J. R. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 441-463.

- Dyreng, S., Hanlon, M., & E. Maydew. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61–82.
- Fairfield, P., Whisenant, S., & Yohn, T. (2003). Accrued earnings and growth: Implications for future profitability and market mispricing. *The Accounting Review*, 78, 353–371.
- Fallah Sougheh, A., Kherdiar, S., Pourali, M. R., & Samadi Largani, M. (1402). Investigating the factors affecting tax avoidance using linear regression equations. *Accounting and Management Auditing Knowledge*, 12(45), 533-544. (in Persian)
- Frank, M. Z., & Goyal, V. K. (2003). Testing the pecking order theory of capital structure. *Journal of Financial Economics*, 67, 217–248.
- Geyser, M., & Liebenberg, I. (2003). Creating a New Valuation Tool for South African Agricultural Co-operatives. *Agrekon*, 42, 106-115.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2- 3), 127–178.
- Hirshleifer, D., Hou, K., Teoh, S., & Zhang, Y. (2004). Do investors over value Firms with bloated balance sheets?. *Journal of Accounting and Economics*, 38, 297–331.
- Hribar, P., & Collins. (2002). Errors in estimating accruals: Implications for empirical research. *Journal of Accounting Research*, 10, 105–134.
- Jensen, C. M. (1986). Agency cost of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *American Economic Review*, 76(2), 71–92.
- Minh Ha, N., Phuong Trang, T. T., & Vuong, P. M. (2022). Relationship between tax avoidance and institutional ownership over business cost of debt. *Cogent Economics & Finance*, 10(1).
- Pasternak, M., & Rico, C. (2008). Tax interpretation, planning, and avoidance: Some linguistic analysis. *Akron Tax Journal*, 23, 32-47.
- Rostami, S., Zolfaghari, M., & Shadfard, Z. (2014). The effect of investment opportunities on tax avoidance with regard to the moderating role of social responsibility disclosure. *Journal of Public Sector Accounting and Budgeting*, 4(1), 91-105.(in Persian)
- Sahyoun, N., & Magnan, M. (2024). The association between voluntary disclosure in audit committee reports and banks' earnings management. *Managerial Auditing Journal*, 35(6).
- Taheri, M., & Jalili, M. (1402). Corporate tax avoidance and explaining its relationship with managers' overconfidence and audit committee characteristics. *Journal of Tax Research*, 31(57), 29-50. (in Persian)
- Thomsen, M., & Watrin, C. (2018). Tax avoidance over time: A comparison of European and U.S. firms. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 33, 40-63.